

احتکار

حمیدرضا دهقانی فیروزآبادی^۱

چکیده

در این مقاله به بحث بسیار مهم احتکار پرداخته شد و بعد از توضیحی درباره اصل معنای احتکار در لغت و فقه به بررسی فقهی آن پرداخته ایم ابتدا حکم فقهی احتکار از دیدگاه فقها مورد بررسی قرار گرفته که بعضی آن را مکروه و بعضی بنا به شرایطی آن را حرام می‌دانند و ادله دو طرف را مورد بررسی قرار دادیم و سپس مواردی که حکم احتکار در آنها جاری می‌شود را بررسی کردیم که بنا بر اختلاف فقها بعضی حکم احتکار را مخصوص طعام و بعضی مخصوص انواعی از طعام و هر نهایت عده ای حکم احتکار را مطلق و شامل هر چیزی که مورد نیاز مردم باشد، می‌دانند.

کلید واژه: احتکار، طعام، حبس، غلاء

۱. طلبه پایه پنجم مدرسه شهیدین علیه السلام، تاریخ نگارش: بهار ۱۴۰۰.



مقدمه

احتکار یکی از موضوعات بسیار مهم در بحث فقه است که تاثیر بسیار زیادی در اقتصاد جامعه اسلامی دارد و می‌تواند اقتصاد را به خطر بیندازد همچنین احتکار ناشی از وجود بعضی رزائل اخلاقی در محکومین است که آنها را به این سمت کشانده که خود را اصل قرار داده و به فکر دیگران نیستند من بر آن شدم که بررسی فقهی در مورد احتکار داشته و دلایل اختلافات موجود در این بحث (مکروه یا حرام بودن) و مواردی که احتکار شامل آنها می‌شود را بررسی کنم و در نهایت نتیجه گیری خوبی در این مبحث داشته باشیم تا بتوانیم با آشنایی فقهی با این مسئله روبرو شویم.

تعریف لغوی

در لغت احتکار از حکر گرفته شده که به معنای حبس می‌باشد (الحاء و الکاف و الراء أصل واحد، و هو الحیس) (ابن فارس، ج ۲ ص ۹۲)

در کتب لغوی احتکار به معنای جمع طعام و مانند آن از چیزهایی که خورده می‌شود در حالی که شخص منتظر گران شدن آن است، ذکر شده. (جوهری، ج ۲، ص ۶۳۵؛ فراهیدی، ج ۳، ص ۶۲)

تعریف اصطلاحی

احتکار در فقه، اصطلاحی در حفظ اموال و حبس آنها و انتظار برای گران شدن در حالی که مردم به آن اموال نیاز دارند و کسی غیر از آن شخصی که احتکار کرده برای بذل وجود ندارد این اصطلاح مناسب با همه معانی لغوی اعم از ظلم و لجاجت و استبداد مذموم و... است. (مشکینی، ص ۳۹)

با توجه به این تعریف اصطلاحی، احتکار چند قید دارد که مقوم آن است که یکی از آنها انتظار و قصد شخص از احتکار، گران شدن آن و نفع شخصی باشد ولی اگر این حبس به دلیل دیگری غیر از این باشد دیگر احتکار به حساب نمی‌آید.

و قید دیگر این است که مردم به آن نیاز داشته باشند که البته شاید این قید جزء مقومات احتکار نباشد که ان شاء الله در بحث حکم فقهی احتکار اختلاف فقها در آن را ذکر می‌کنیم.



همانطور که در بحث لغت گفته شد تعدادی زیادی از اهل لغت، احتکار را به معنای حبس طعام و ذخیره کردن آن درحالی که منتظر گران شدن است، معنا کرده‌اند ولی ظاهر کلام جماعتی عدم اختصاص آن به طعام است بلکه ادعا شده، آنکه از لغویون آن را تخصیص زده است آنچه شرعاً ممنوع بوده را اراده کرده است. (شاهرودی، ج ۶، ص ۱۲۳)

روایات

ان شاء الله ابتدا تعدادی از روایات مطرح در بحث احتکار را مروری می‌کنیم سپس وارد نظرات فقها شده و بررسی می‌کنیم

باب تحریم احتکار در هنگامی که ضرورت مسلمین است و به آن نیاز دارند:

- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْحُكْرَةُ فِي الْخِصْبِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا - وَ فِي الشَّدَّةِ وَ الْبَلَاءِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ - فَمَا زَادَ عَلَى الْأَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الْخِصْبِ - فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ - وَ مَا زَادَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْعُسْرَةِ فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ.
- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخْتَكِرُ الطَّعَامَ - وَ يَتَرَبَّصُّ بِهِ هَلْ يَصْلُحُ ذَلِكَ - قَالَ إِنْ كَانَ الطَّعَامُ كَثِيرًا يَسْعُ النَّاسَ فَلَا بَأْسَ بِهِ - وَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ قَلِيلًا لَا يَسْعُ النَّاسَ - فَإِنَّهُ يُكْرَهُ أَنْ يَخْتَكِرَ الطَّعَامَ - وَ يَتْرَكَ النَّاسَ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ.

صاحب وسائل می‌فرماید این کراهت حمل بر تحریم می‌شود (بعدا خواهد آمد)

- وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْحَالِبُ مَرْزُوقٌ وَ الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ.
- وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْخِنْطَلَةِ وَ الشَّعِيرِ - وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ السَّمَنِ.
- وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ وَ الزَّيْبِ وَ السَّمَنِ وَ الزَّيْتِ
- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَصَابَتْكُمْ جَمَاعَةٌ فَأَعْتَنُوا بِالزَّيْبِ.
- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ فِي الْمَجَالِسِ وَ الْأَخْبَارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِوَنٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ



الحسن بن فضال عن العباس بن عامر عن أحمد بن رزق عن أبي مریم عن أبي جعفر عليه السلام: قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله أيما رجل اشترى طعاماً - فكبسه أربعين صباحاً يريد به غلاء المسلمين - ثم باعه فتصدق بثمنه لم يكن كفارة لما صنع.

● عبد الله بن جعفر في قرب الإسناد عن السندي بن محمد عن أبي البحرى عن جعفر بن محمد عن أبيه أن علياً عليه السلام كان ينهى عن الحكرة في الأمصار - فقال ليس الحكرة إلا في الخنطة والشعير - والتمر والزبيب والسمن.

● محمد بن علي بن الحسين قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ إِلَّا خَاطِئٌ.

البته تعدادی از روایات ذکر نشده است.

باب عدم تحریم احتکار اگر باذل دیگری غیر از او باشد:

● محمد بن علی بن الحسین بإسناده عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام: قال: سئل عن الحكرة فقال - إنما الحكرة أن تشترى طعاماً - وليس في المضر غيره فتحتكره - فإن كان في المضر - طعاماً أو متاعاً غيره - فلا بأس أن تلتمس بسلعتك الفضل.

● محمد بن يعقوب عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حماد نحوه و زاد قال و سألت عن الزيت - فقال إذا كان عند غيرك فلا بأس بإمساكه.

● عن أبي علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان عن أبي الفضل سالم الخنط قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام ما عملك قلت خنط - و رُبما قد مت على نفاق - و رُبما قد مت على كساد فحبست - قال فما بقول من قبلك فيه - قلت يقولون محتكر - فقال يبيعه أحد غيرك - قلت ما أبيع أنا من ألف جزء جزءاً - قال لا بأس إنما كان ذلك رجل من قريش - يقال له حكيم بن حزام - و كان إذا دخل الطعام المدينة اشتراه كله - فمر عليه النبي صلى الله عليه وآله فقال - يا حكيم بن حزام إياك أن تحتكر.

(عاملی، ج ۱۷ ص ۴۲۴ تا ۴۲۹)

احتکار حرام یا مکروه؟

در کتاب لمعه، شهیدین این مسئله را در دو جا ذکر کرده اند یکی در بحث مکروهات احتکار و دیگری در آداب تجارت

آنها یکی از مکروهات در خرید و فروش را احتکار نام برده اند که در ابتدا شهید ثانی به تعریف



آن پرداخته که می‌فرمایند احتکار طعام یعنی حبس طعام که توقع زیادی قیمت از آن می‌شود و سپس شهید ثانی بر خلاف شهید اول در لمعه که آن را مطلقاً مکروه می‌دانند، اقوی در احتکار را حرام بودن آن در صورت بی‌نیازی شخص به آن و احتیاج مردم به آن دانسته‌اند که شهید اول در دروس نیز همین نظر را برگزیده‌اند و سپس مویدی از کلام پیامبر ﷺ ذکر کرده که می‌فرمایند:

الجالب مرزوق و المحتکر ملعون (و احتکار الطعام و هو حبسه بتوقع زیادة السعر. و الأقوی تحریمه مع استغنائه عنه، و حاجة الناس إليه، و هو اختیاره فی الدروس، و قد قال النبی ﷺ الجالب مرزوق، و المحتکر ملعون) (شهید ثانی، ج ۳، ص ۲۱۸)

در بحث آداب التجارت، نیز ابتدا همین تعریف را ذکر کرده و شهید ثانی همان حکم بالا یعنی حرام بودن آن در صورت نیاز مردم را ذکر کرده ولی بنا بر روایت صحیح دیگری از پیامبر ﷺ که می‌فرمایند: «انه لا یحتکر الطعام الا الخاطی و انه ملعون»

شهید ثانی شق دوم از حکم را یعنی مکروه بودن احتکار در جایی می‌دانند که غیر از شخص محتکر کس دیگری برای پخش طعام به مردم وجود داشته باشد و مردم نیازشان رفع شود.

اگر شخص دیگری برای بذل طعام وجود نداشته باشد بیع این طعام بر شخص محتکر واجب است (ترك الحكرة بالضم و هو جمع الطعام و حبسه یتربص به الغلاء، و الأقوی تحریمه مع حاجة الناس إلى لصحة الخبر بالنهي عنه عن النبي ﷺ: و أنه لا یحتکر الطعام إلا خاطی و أنه ملعون) (شهید ثانی، ج ۳، ص ۲۹۹)

پس با توجه به کلام شهید ثانی ایشان برخلاف شهید اول (در لمعه) که احتکار را مطلقاً مکروه می‌دانند احتکار را در دو صورت در نظر گرفته‌اند:

- وجود باذل دیگر و رفع نیاز مردم: مکروه بودن احتکار
- احتیاج مردم به مواد احتکار شده: حرام بودن احتکار

الزبده در حاشیه بحث حرام بودن احتکار روایت ذیل را آورده: فی النهج عن أمير المؤمنين ﷺ فی كتابه إلى مالك الأشر: (فامنع من الاحتکار، فإن رسول الله ﷺ منع منه، و لیکن البیع بیعا سمحا بجوازین عدل و اسعا لا یجحف بالفریقین من البائع و المبتاع، فمن قارف حكرة بعد نهیک إیاه فنکل و عاقب من غیر إسراف)

و سپس از کلمه عقاب علاوه بر نهی موجود در روایت برداشت کرده است که احتکار با



شرایط ذکر شده (عدم وجود باذل - احتیاج مردم) دلالت بر حرمت می‌کند و بنا براین مشهور از فقها قائل به حرمت آن شده‌اند

افرادی از جمله شیخ در مبسوط و مفید در مقنعه و محقق در شرایع و علامه در مختلف و جماعت دیگری احتکار را مکروه دانسته‌اند که دلیلشان روایت حلبی^۱ است که ایشان در روایت فرموده‌اند: اگر طعام اندک بود مکروه است که شخص طعام را احتکار کند. البته صاحب الزبده در جواب می‌فرماید که کراهت در زبان اهل بیت علیهم‌السلام اعم از حرمت و غیر آن است پس نمی‌توان از این روایت کراهت را برداشت کرد در حالی روایات دیگری داریم که دلالت بر حرمت می‌کند.

حد حکره بنا بر آنچه در لمعه نیز گفته شد حبس طعام در صورت نیاز مردم است. قیل دیگری نیز از شیخ و جماعتی وجود دارد که حد آن را ۳ روز در سختی و گرانی و ۴۰ روز در راحتی و ارزانی می‌دانند که دلیلشان نیز روایاتی از جمله روایت مذکور است:

خبر السکونی عن أبي عبد الله عليه السلام (الحكرة في الخصب أربعون يوما، وفي الشدة والبلاء ثلاثة أيام، فما زاد على الأربعين يوما في الخصب فصاحبه ملعون، وما زاد على ثلاثة أيام في العسرة فصاحبه ملعون)، و خبر أبي مریم عن أبي جعفر عليه السلام (قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أيما رجل اشترى طعاما فكبسه أربعين صباحا يريد به غلاء المسلمين ثم باعه فصدق بئمه لم يكن كفارة لما صنع) که البته این روایات حمل بر این است که غالب حاجت مردم جز با این دو حد تحقق پیدا نمی‌کند (عاملی، ج ۴، ص ۴۲۵ و ۴۲۶)

آقای مغنیه در کتاب فقه الامام الصادق عليه السلام: مسلمون اتفاق بر تحریم احتکار کرده‌اند که دلایل این تحریم را موارد زیر ذکر می‌کنند:

۱. قبح عقلی که از ضرر بر مسلمین و مذموم بودن حرص عقلا و منافات داشتن احتکار با مروت و منافات داشتن با رقت قلب به دست می‌آید
۲. قواعد شرعیه:

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام سأئنه عن الرجل يحتكر الطعام و يترصص به هل يصلح ذلك؟ فقال: إن كان الطعام كثيرا يسع الناس فلا بأس به، و إن كان الطعام قليلا لا يسع الناس فإنه يكره أن يحتكر الطعام و تبرك الناس ليس لهم طعام



الف) قاعده لاضرر و لا ضرار

ب) دفع المفسده اولی من جلب المصلحة

ج) اهم مقدم بر مهم اگر مهمی بود

د) وجوب الاحتفاظ بالنفس المحترمه

۳. نصوص شرعی که از حد تواتر گذشته است (مغنیه، ج ۱، ص ۱۴۱ تا ۱۴۷)

صاحب ریاض روایتی نقل می‌کنند که می‌فرماید: ایاک ان تحتکر که البته در مورد سند آن بحث وجود دارد اما ایشان می‌فرمایند با توجه به روایات دیگری که در بحث احتکار وجود دارد حرام بودن احتکار خالی از قوت نیست البته ضرر بر مومنین و اجبار محتکر به بیع را نیز باید به دلایل اضافه کرد.

سپس می‌فرمایند شیخین احتکار را مکروه می‌دانند به دلیل اصل و عموم سلطنت بر مال و قصور روایات ذکر شده که بعضی سندا و بعضی دلالتا مشکل دارند. (حانزی، ج ۸، ص ۲۸۳)

در مستند الشیعه آمده است که کسی که احتکار را به طعام اختصاص داده از آن ممنوع شرعا و حرام را اراده کرده است که این حرف موافق با شیخ صدوق در المقنع و شیخ در الاستبصار و القاضی و علامه حلی و حلبی در یکی از دو قولش و المنتهی و التحریر و التنقیح و الدروس و المسالک و الروضه است برخلاف کلام شیخین در المقنعه و الفقیه و المبسوط و الدیلمی و الحلبی در قول دیگرش و الشرائع و النافع و المختلف و الارشاد و اللمعه که قائل به کراهت شده‌اند.

روایاتی که از آنها حرام بودن برداشت شده است:

● روایة حذیفة بن منصور، و فیها: ثم قال - یعنی رسول الله ﷺ -: یا فلان، إن المسلمین ذکرُوا أنَّ

الطعام قد نفذ إلا شیئا عندك، فأخرجه و بعه کیف شئت و لا تجسه.

● و صحیحة الحلبي: الحكرة: أن یشتري طعاما لیس فی المصر غیره فیحتکره، فإن کان فی المصر

طعام أو یباع غیره فلا بأس بأن یلتمس بسلعته الفضل، قال: و سألته عن الزيت، فقال: إن کان عند غیرك فلا بأس بامساکه.

این روایت مفهومش دلالت بر ثبوت باس و عذاب در صورت عدم وجود شرط یعنی

عدم وجود طعام نزد غیر می‌کند.



- صحیحة الحنّاط: قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: ما عملك؟ قلت: حنّاط، و ربّما قدمت على نفاق، و ربّما قدمت على كساد فحبست، قال فما يقول من قبلك فيه؟ قلت: يقولون: محتكر، قال: يبيعه أحد غيرك؟ قلت: ما أبيع أنا من ألف جزء جزءا، قال: لا بأس، إنّما كان ذلك رجل من قريش يقال له حكيم بن حزام، و كان إذا دخل الطعام المدينة اشتراه كلّه، فمرّ عليه النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا حكيم بن حزام، إيتاك أن تحتكر.
- و رواية القدّاح: الجالب مرزوق و المحتكر ملعون.
- و رواية السكوني: الحكرة في الخصب أربعون يوما، و في البلاء و الشدة ثلاثة أيّام، فما زاد على الأربعين يوما في الخصب فصاحبه ملعون، و ما زاد في العسرة على ثلاثة أيّام فصاحبه ملعون.
- و رواية أخرى: نهى أمير المؤمنين عليه السلام عن الحكرة في الأمصار.
- و الثالثة: لا يحتكر الطعام إلّا خاطئ.
- و المرويّ في نهج البلاغة في عهد كتبه أمير المؤمنين عليه السلام للأشتر: فامنع من الاحتكار، فإن رسول الله صلى الله عليه وآله منع منه، و ليكن البيع بيعا سمحا بموازين عدل و أسعار لا يحجف بالفريقين من البائع و المبتاع، فمن قارف حكرة بعد نهيك إياه فنكّل و عاقب.
- و في الخصال: و لأنّ يلقي الله العبد سارقا أحبّ إلى الله من أن يلقاه و قد احتكر طعاما. در الخصال آمده که اگر خدا بنده دزدی را ملاقات کند بهتر است تا اینکه ملاقات کند با کسی که طعامی را احتکار کرده است.
- في مجالس الشيخ بسند معتبر: أيما رجل اشترى طعاما فكيسه أربعين صباحا يريد به غلاء المسلمين، ثمّ باعه فتصدّق بثمنه، لم يكن كفّارة لما منع.
- و في قرب الإسناد: إنّ عليّا عليه السلام كان ينهى عن الحكرة في الأمصار، و قال: ليس الحكرة إلّا في الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و السمن.
- و في كتاب ورام: عن النبي صلى الله عليه وآله عن جبرئيل قال: اطّلت في النار فرأيت واديا في جهنّم يغلي فقلت: يا مالك، لمن هذا؟ فقال: لثلاثة: المحتكرين و المدمنين الخمر و القوادين.
- و في طرق العامّة: من احتكر الطعام أربعين ليلة فقد برئ من الله و برئ الله منه.
- من احتكر على المسلمين لم يمّت حتى يضره الله بالجذام و الإفلاس.



در نهایت اجماع بر اجبار محتکر بر بیع موید این قول است البته بعضی از روایات هرچند از نظر سند و دلالت قاصر هستند ولی باعث بطلان این قول نمی شود.
دلیل کسانی که قائل به کراهت هستند:

- بنا بر اصل
 - بنا بر قاعده عام: السلطنة على المال (سلطنت بر مال خودش)
 - صحیحة الحلبي: عن الرجل يحتكر الطعام و يتربص به، هل يجوز ذلك؟ فقال: إن كان الطعام كثيرا يسع الناس فلا بأس، و إن كان قليلا لا يسع الناس فإنه يكره أن يحتكره و يترك الناس ليس لهم طعام اشكال: ۱. ثبوت حقیقت شرعیه در کراهت ممنوع است؛ ۲. کراهت لغتا اعم از تحریم است؛ ۳. عدول از آن با سوال از جواز صلاحیت قرینه برای تعیین عدم حرمت نیست؛ ۴. ادله و عموماتی که گفته شد دفع کننده آن است. (نراقی، ج ۴، ص ۴۵ تا ۴۸)
- پس در نهایت نتیجه این می شود که دو قول در مورد احتکار وجود دارد:

- کراهت مطلق
- حرام بودن در صورت احتیاج مردم

حکم احتکار، عام یا خاص؟

شهیدین در لمعه به بیان چیزهایی که احتکار در مورد آنها مطرح است و این احکام را دارد بیان می کنند که ۷ چیز است شامل: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن (زیت)، سمن، نمک است. (شهید ثانی، ج ۳، ص ۲۹۹)

پس بنابراین نظر، آنها احتکار را مختص به طعام های خاصی که به نظر قوت غالب بوده می دانند.

صاحب الزبده می فرمایند که مشهور احتکار را در ۵ چیز ثابت می دانند: گندم و جو و خرما و کشمش و روغن، بنا بر روایتی از بختری از امام جعفر صادق علیه السلام^۱ و خبر غیاث بن ابراهیم^۲ البته به

۱. عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام (إن عليا عليه السلام كان ينهي عن الحكرة في الأمصار فقال: ليس الحكرة إلا في الخنطة و الشعير و التمر و الزبيب و السمن).

۲. غياث بن إبراهيم برواية الكافي عن أبي عبد الله عليه السلام (ليس الحكرة إلا في الخنطة و الشعير و التمر و الزبيب و السمن).



روایت صدوق، این روایت، زیت را هم در بر دارد که بنا بر همین نکته صدوق در المقنع و علامه در التحریر زیت را نیز اضافه کرده‌اند که البته علاوه بر این دلیل روایت دیگری نیز وجود دارد که احتکار را در شش چیز می‌داند.^۱

همانطور که در لمعه گفته شد نظر دیگری نیز هست که نمک را نیز جزء این موارد می‌شمارد (۷ چیز) که در مبسوط و وسیله و التذکره و نهاییه الاحکام و الدروس و المسالک نیز ذکر شده که شاید دلیل اضافه کردن آن به دلیل شدت نیاز به آن بوده است در غیر این صورت دلیلی از نصوص برای آن پیدا نکرده‌اند.

البته در نهایت نظر صاحب الزبده این است که با توجه به روایاتی که گذشت مورد احتکار طعام است نه این موارد پنج یا شش گانه چون این اخباری که احتکار را حصر در این موارد کرده‌اند در زمان معصوم علیه السلام یا در شهر شان بوده است نه اینکه به طور کلی احتکار فقط شامل این موارد باشد. (عاملی، ج ۴، ص ۴۲۵ و ۴۲۶)

آقای مغنیه در جواب به این که آیا احتکار مطلقاً حرام است یا مختص به طعام می‌باشد یا به نوع خاصی از طعام می‌باشد می‌فرماند آنچه از قول صاحب جواهر در کتاب التجارة ظاهر می‌شود این است که فقها متفق بر تحریم احتکار هر چیزی که مردم به آن نیاز دارند هستند که حرفشان را استناد به کلام صاحب جواهر می‌کنند: «الاحتکار محرم فی کل جنس لکل ما تحتاجه النفوس المحترمة، و یضطرون إلیه، و لا مندوحة لهم عنه من مأكول، أو مشروب، أو ملبوس أو غیره، من غیر تقيید بزمان دون زمان، و لا أعیان دون أعیان، و لا انتقال بعقد، و لا تحدید بحد بعد فرض حصول الاضطرار» که معنای این سخن این است که هر چیزی به حدی رسید که نیاز به آن اضطراری شد احتکار آن حرام است از هر نوعی که باشد اما اگر به حد اضطرار نرسید فقها در مورد اینکه آیا هر چیزی که مردم احتیاج دارند احتکار آن، حرام است یا فقط طعام حرام است یا نوع خاصی از آن اختلاف دارند.

بنابر نظر آقای مغنیه، احتکار من حیث هی حرام است و ذکر بعضی از انواع در روایات

۱. السکونی عن جعفر بن محمد عن آبائه علیهم السلام عن النبی صلی الله علیه و آله (الحکرة فی ستة أشياء فی الخنطة و الشعیر و التمر و الزیت و السمن و الزیب).



نشان دهنده غالب است همانطور که در الزبده گفته شد برای موید حرفشان جمله کتاب مکاسب و صاحب الدروس را ذکر می‌کنند که گفته‌اند اظهر این است که تحریم احتکار در صورت حاجة مردم است و این یعنی علت تحریم، احتیاج مردم من حیث هی است.

ایشان در جواب کسانی احتکار را اختصاص به موارد خاصی داده‌اند می‌فرمایند لازمه سخن شما این است که احتکار نفت و برق حرام نیست در حالی که علم وجود دارد که حیات امروز بدون آنها ممکن نیست و مثال‌های دیگری از این دست را اشاره می‌فرمایند. (مغنیه، ج ۱، ص ۱۴۱ تا ۱۴۷)

در کتاب مستند الشیعه گفته شده که احتکار فقط در طعام ممنوع است همانطور که هیچ خلافی در مورد گندم و جو و خرما و کشمش نیست و اختلاف در مورد بقیه اطعمه وجود دارد که شیخ مفید احتکار را به صورت مطلق برای همه اطعمه آورده‌اند ولی حلبی حکم احتکار را اختصاص به ۴ مورد اول یعنی گندم و جو و خرما و کشمش می‌داند و شیخ در نهاییه و حلی و قاضی المحقق و علامه در المنتهی و المختلف و التحریر و ابن فهد در مهذبش، سمن (روغن) را اضافه کرده‌اند.

شیخ صدوق در المقنع زیت را به این پنج مورد افزوده‌اند.
در الدروس و اللعه (همانطور که اشاره شد) نمک را نیز اضافه کرده‌اند که ابن حمزه و المبسوط و القواعد و الارشاد به جای زیت از نمک نام برده‌اند.
مستند الشیعه، نظر اقوی را نظر شیخ صدوق می‌دانند و دلیل آن را موثقه غیاث بن ابراهیم ذکر می‌کنند (غیاث بن ابراهیم المرویه فی الفقیه):

ليس الحكرة إلا في الحنطة والشعير والتمر والزبيب والسمن والزيت) و می‌فرمایند که این روایت اطلاقات احتکار و احتکار در طعام را تقيید می‌زند و همچنین روایت موجود در خصال نیز به آن اشاره می‌کند (في الخصال: الحكرة في ستة أشياء: في الحنطة والشعير والتمر والزبيب والسمن والزيت) (نراقی، ج ۴، ص ۴۵ تا ۴۸)

بنابراین می‌توان اقوال را به صورت زیر دسته بند کرد:

- حرام بودن احتکار در هر چیزی که مردم احتیاج دارند
- اختصاص احتکار به طعام

- اختصاص به ۴ مورد (گندم و جو و خرما و کشمش)
- اختصاص به ۵ مورد (موارد بالا + سمن)
- اختصاص به ۶ مورد (موارد بالا + زیت یا ملح)
- اختصاص به ۷ مورد

البته به نظر می‌رسد با توجه به کلام آقای مغنیه و صاحب جواهر اگر قوام احتکار، احتیاج مردم باشد حکم باید هر چه را که مردم نیاز دارند را شامل شود.

نتیجه

با توجه بررسی‌هایی که انجام شد، فقها در مورد حرام بودن یا مکروه بودن احتکار اختلاف دارند البته اختلافشان در جایی است که مردم به مواد احتکار شده نیاز داشته باشند و باذل دیگری نباشد که بعضی قائل به تحریم و بعضی قائل به کراهت شدند ولی در مورد جایی که باذل دیگری باشد یا مردم احتیاج نداشته باشند همه قائل به کراهت هستند.

همچنین ۶ قول در مورد، چیزهایی که حکم احتکار به آنها تعلق می‌گیرد از کلام فقها استخراج شد و روایات و ادله آنها نیز مورد بررسی قرار گرفت که به نظر با توجه به اینکه قوام احتکار به احتیاج مردم است بهتر است حکم احتکار را در مورد هر چیزی مردم به آن احتیاج دارند جاری نماییم.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية* (چاپ اول). بیروت: دار العلم للملایین.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة* (چاپ اول). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین* (چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۵. شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۳ ق) *موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت* (چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب أهل بیت علیهم السلام.
۶. مشکینی، میرزا علی [بی تا]. *مصطلحات الفقه*. [بی جا]
۷. عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعة* (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، المحشی: کلانتر* (چاپ اول). قم: داوری.
۹. عاملی، سید محمد حسین ترحینی (۱۴۲۷ ق). *الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة* (چاپ چهارم). قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
۱۰. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ ق). *فقه الإمام الصادق* علیه السلام (چاپ دوم). قم: مؤسسه انصاریان.
۱۱. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ ق). *ریاض المسائل (ط - الحدیث)* (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۲. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ ق). *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة* (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.